



تبعیض زنده

جستاری در بیانات مقام معظم رهبری پیرامون اشرافی گری و مبارزه با فساد

سورة الرحمن الرحيم



فهرست مطالب

- ۱..... مقدمه
- ۳..... بخش اول : اشرافیت
- ۳..... پاسخگویی، از رهبری تا مأموران
- ۳..... رسیدگی دلسوزانه تر
- ۳..... این انحراف است، برو برگرد ندارد
- ۴..... اسوه حیوانی؟
- ۴..... مثل موریانه...
- ۴..... اشرافی‌گری شاخ و دم ندارد
- ۵..... اندازه نگه دارید
- ۵..... مگر مردم کورند؟!
- ۶..... دولت باید برای این‌ها خودکشان کند...
- ۶..... من نمی‌گویم در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم
- ۷..... انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند!
- ۸..... مصرف به اندازه
- ۸..... اصلی‌ترین مسأله در تنظیم برنامه‌ها
- ۹..... سازندگی را با مادی‌گرایی اشتباه گرفته‌اند!
- ۹..... عیش و طرب، ابزار تهاجم فرهنگی دشمن
- ۱۰..... معنای زهد
- ۱۰..... هدف جمهوری اسلامی
- ۱۰..... رعایت مضاعف نسبت به «ضعیف»
- ۱۱..... خطر اشرافیت جدید در دنیای اسلام

- ۱۱.....ملاحظه کشورتان را هم بکنید!
- ۱۲.....مطلقاً وارد نشوید!
- ۱۲.....لزوم پیشرفت همه مردم
- ۱۲.....مراقبت از حق طبقات ایثارگر
- ۱۳.....بهره‌های کلان ظاهراً قانونی، منشأ فقر
- ۱۳.....احساس بهره‌مندی یکسان
- ۱۴.....موفقیتی بدست نیاورده ایم!
- ۱۴.....بازسازی خطرناک!
- ۱۴.....اشراف لازمه اشرافی‌گری
- ۱۵.....سازندگی بدون دنیاطلبی
- ۱۵.....این‌ها از کشور دفاع نمی‌کنند
- ۱۵.....اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف
- ۱۶.....راه علاج، فرهنگ عمومی مردم
- ۱۶.....بسیاری از مشکلات اصلاً حل نخواهد شد، اگر...
- ۱۷.....این قانون، اسلامی نیست!
- ۱۷.....هنگامه‌ی خطر
- ۱۷.....در قلوب این‌ها مرض است
- ۱۷.....همه یکسانند
- ۱۸.....کارتان در این جهت نباشد
- ۱۸.....زندگی مسئولین
- ۱۹.....نباید طوری زندگی کنند که...
- ۱۹.....انقطاع عامل انحطاط
- ۱۹.....رفتار علوی یعنی...
- ۲۰.....الگوی بی‌درد، خیر!
- ۲۰.....این فریب است!

- ۲۰..... رشد بادکنکی.....
- ۲۱..... قشر بی‌بلندگو و تریبون.....
- ۲۱..... اشرافی‌گری دو عیب دارد؛.....
- ۲۲..... این ساعت‌ها متعلق به مردم است.....
- ۲۲..... مسئول جمهوری اسلامی حق ندارد به اشراف نگاه کند!.....
- ۲۳..... حظاً تو از این حکومت باید این باشد که... ..
- ۲۳..... بازی‌های جناحی، جلوی حق را نگیرد.....
- ۲۳..... روح اشرافی‌گری.....
- ۲۴..... گزندگی تبعیض بیش از فقر.....
- ۲۴..... نفوذ صاحبان پول در ارکان حکومت... ..
- ۲۴..... دور باطل!.....
- ۲۵..... تمرکز ثروت در یک نقطه!.....
- ۲۵..... ظاهر کار هم قانونی است!.....
- ۲۵..... بی‌تفاوتی به فقر نشانه تکذیب دین.....
- ۲۶..... بلای بزرگ مصرف‌گرایی.....
- ۲۶..... رفاقت، هرگز!.....
- ۲۷..... واقعاً رنج می‌برم.....
- ۲۷..... برای یک مسئول عقیده و اخلاق مسأله‌ی شخصی نیست.....
- ۲۷..... پاسخگویی، از رهبری تا مأموران.....
- ۲۷..... دور نشدن از سطح متوسط زندگی مردم.....
- ۲۸..... نماینده‌گی توده.....
- ۲۸..... حکومت عامل مردم است.....
- ۲۸..... زندگی تجملاتی باید تخریب شود.....
- ۲۹..... حرف دهان‌پرکن سیاسی بی‌محتوا.....
- ۲۹..... اختلاف طبقاتی، آفت نظام.....

- ۲۹..... نه اشراف سنتی، نه اشراف جدید
- ۲۹..... تحزب از نوع امریکایی
- ۳۰..... النَّاسُ علی دین «ماها»!
- ۳۰..... عدالت کمونیستی، عدالت بی دوام
- ۳۱..... در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم!
- ۳۲..... تولید ثروت، با غارت ثروت دیگران فرق دارد!
- ۳۲..... همه توانایی پیدا کنند
- ۳۳..... مسابقه بسیار نامطلوب
- ۳۳..... قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد
- ۳۳..... اشراف از نظر اسلام
- ۳۴..... باید عمل کنیم
- ۳۴..... بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اشراف وجود داشته باشد
- ۳۵..... این پیشرفت نیست
- ۳۵..... می شود سرمایه‌گذاری کرد
- ۳۵..... زندگی مسئولان مطابق با ضعیف‌ترین اقشار
- ۳۶..... ثروت بیشتر، یارانه بیشتر!
- ۳۶..... از مسولین به مردم می‌رود
- ۳۷..... «این مسئول از دل مردم برخاسته است»
- ۳۷..... شناخت آسیب‌های ناشی از مستی اشرافیگری
- ۳۸..... در راه پیشرفت، اشرافی‌گری ممنوع
- ۳۸..... نشانه‌های اشرافیگری در جامعه کم نیست
- ۳۹..... اشرافی‌گری بالای کشور است
- ۴۰..... بخش دوم: مبارزه با فساد
- ۴۰..... اقامه عدل از قله می‌جوشد
- ۴۰..... اولویّت بندی کنید

- ۴۰..... شدت مبارزه با فساد
- ۴۱..... فساد که نمی‌گوید من «فسادم»!
- ۴۱..... هدف دشمن
- ۴۱..... قوه قضاییه خودش را پاک کند
- ۴۲..... موسم ورود آدم‌های سوءاستفاده‌کن و فرصت‌طلب و کج‌دست و بددل و سیاه‌رو
- ۴۲..... این کمک است نه به خطر انداختن!
- ۴۳..... مخلصین در خطر عظیم
- ۴۳..... هدف از وجود قوه قضاییه
- ۴۳..... سوء استفاده از گریزگاه‌های قانونی
- ۴۴..... اگر ثروت جامعه بد خرج شود
- ۴۴..... باید لباس مبارزه به تن کرد
- ۴۴..... برخورد با فساد باید به مردم احساس آرامش دهد
- ۴۵..... پنج ضرر فساد
- ۴۶..... مواظبت از گلوگاه فساد
- ۴۶..... مواظب جنجال باشید!
- ۴۷..... فساد، فساد است!
- ۴۷..... اول کار، بعد اطلاع‌رسانی
- ۴۸..... نفوذ پول و پولدار
- ۴۸..... فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینید
- ۴۸..... مبارزه بدون جنجال
- ۴۸..... شرایط را در نظر بگیرید
- ۴۹..... بنده موافق نیستم
- ۴۹..... هر که می‌خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند
- ۵۰..... این قضاوت تعمیم پیدا می‌کند
- ۵۰..... به مودی‌گری‌ها توجه نکنید

- مشروعیت ما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و عدالت‌خواهی ۵۰
- مشکل اما پربرکت ۵۱
- اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد ۵۱
- با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد ۵۲
- وظیفه مجلس و دولت و قوه قضائیه ۵۲
- مبارزه با زیاده‌خواهان ۵۲
- می‌گفتند مبارزه‌ی با فساد جزو موانع سرمایه‌گذاری است ۵۳
- از محاسبه باکی نباشد ۵۳
- برخورد عبرت‌زا ۵۴
- از اول که فاسد نبودند! ۵۴
- در تشکیلات دولتی، اهمیت مبارزه‌ی با فساد اقتصادی بیشتر از قوه‌ی قضائیه است ... ۵۴
- مدیران باید واقعاً معتقد باشند ۵۵
- سرمایه‌گذار سالم خوشحال می‌شود ۵۵
- به نام کار به کام ۵۶
- جلوگیری از فساد داخلی ۵۶

مقدمه

عدالت اجتماعی جزء شعارهای اصیلی است که همواره بنیانگذار انقلاب اسلامی، به آن توجه و تاکید داشتند تا جایی که ایشان عدالت اجتماعی را مقصد نهایی اسلام معرفی می‌کنند و به نوعی این مهم را وظیفه اصلی مسوولین در حکومت اسلامی می‌دانند. یکی از تهدیدهای عدالت، "اشرافی‌گریست" که حضرت امام [ره] و رهبری معظم انقلاب دائم مدیران و مسوولان دولتی را از آن بر حذر داشته‌اند. در مقطع حساس کنونی که انقلاب، وارد مرحله تشکیل دولت اسلامی شده‌است، اشرافی‌گری تهدیدیست که در صورت شایع شدن در جامعه موجبات یاس و ناامیدی و بدبینی آحاد مردم نسبت به یک حکومت اسلامی را فراهم می‌کند و در نهایت سدی بر سر راه وصول آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود. اشرافی‌گری مسوولین آسیب بزرگی برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود، خصوصا هنگامی که درصد قابل توجهی از مردم در تامین حداقل‌های امکانات زندگی مشکلات فراوانی دارند. این در حالیست که بنابر تاکید فراوان بنیانگذار انقلاب اسلامی، رفع محرومیت این بخش قابل توجه جامعه می‌بایست در صدر برنامه‌های دولت اسلامی قرار گیرد. توجه به محرومان این ولی‌نعمتان کوخ‌نشین و پرچمداران انقلاب و همچنین رفع فاصله طبقاتی که بر اثر تقسیم ناعادلانه امکانات و اشرافی‌گری اتفاق افتاده‌است، گام بلندی در جهت تحقق دولت اسلامی می‌باشد. البته تحقق این مهم فقط از مسوولین و مدیرانی بر می‌آید که به دور از خوی اشرافی‌گری، طعم فقر و استضعاف را چشیده باشند. از اینرو جهادگران به‌عنوان نیروهای مومن، متدین و متشرع که فارغ از هرگونه هیاهوی سیاسی، حزبی و جناحی و با هدف خدمت صادقانه در جهت جلب رضایت باری‌تعالی با حضور خالصانه خود در مناطق محروم و داشتن درک درست از فضای موجود، ضمن مطالبه منطقی از مسوولین نظام در راستای برطرف کردن فاصله طبقاتی و ترغیب مسوولین دولتی برای دوری جستن از اشرافی‌گری و روی آوردن به خدمت خالصانه نسبت به محرومین، پتانسیلی بالا برای مدیریت آینده نظام محسوب می‌گردند. جوانانی که به دلیل همزیستی با قشر محروم جامعه و لمس درد فقر و محرومیت از نزدیک، کمتر درگیر



اشرافی‌گری می‌شوند و برای تحقق و استقرار دولت اسلامی مدیرانی موفق خواهند بود. قطعا این اتفاق موجب تلال و هویت دولت اسلامی به دور از هرگونه آسیب می‌گردد.



بخش اول : اشرافیت

پاسخگویی، از رهبری تا مأموران

امروز مردم بین خودشان و مسئولان کشور، فاصله‌ی حقیقی احساس نمی‌کنند. این، نعمت بزرگی است. امروز اگر هریک از آحاد این مردم، با رئیس‌جمهور این کشور ملاقاتی داشته باشد، احساس نمی‌کند که با او فرق دارد. آن حالت اشرافی‌گری و اوج کاذب طبقاتی که شاید بتوانم بگویم در همه‌ی حکومت‌ها - تا آن‌جا که ما می‌دانیم - وجود دارد، در جمهوری اسلامی نیست.

[۱۳۶۹/۳/۷]

رسیدگی دلسوزانه‌تر

به درد و تظلم همه باید رسید؛ اما به آن کس که در او، احتمال مظلومیت بیشتر است - قشرهای مظلوم و پایین جامعه - دلسوزانه‌تر باید رسید. [۱۳۶۹/۴/۴]

این انحراف است، بروبرگرد ندارد

امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی‌گری می‌رود، بلاشک این انحراف است؛ بروبرگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آن‌چنانی، که متعلق به اولیاءالله است؛ نه، مسئولان درجه‌ی یک، مسئولان درجه‌ی دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه‌ی مردم می‌رسد. عامه‌ی مردم هم نباید اسراف و تجمل‌گرایی بکنند. این‌طور نیست که زهد فقط مخصوص مسئولان باشد. [۱۳۷۰/۱/۲۶]





اسوه حیوانی؟

نمی‌شود ما در زندگی مادّی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یک اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خلیشان از اولیات زندگی محرومند. [۱۳۷۰/۵/۲۳]

مثل موریانه...

مسئولان نظام اعم از نمایندگان محترم مجلس و مأموران اجرایی و قضایی باید مراقب باشند که از عوارضی که در نظام‌های طاغوتی و غیرمردمی، بیماری همه‌گیر کارگزاران است، خود را با دقت و وسواس، دورنگه دارند، بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی، بیماری زدوبند نامشروع و فسادمالی و اداری، بیماری تکبر و دوری از مردم و بی‌اهمیتی به نیاز و خواست و اراده و حضور آنان، بیماری دسته‌بندی‌های ناسالم و ترجیح مقاصد باندی بر مصالح عمومی و امثال این‌ها که ابتلای به آن مانند موریانه پایه‌های هر نظامی را سست و پوک می‌کند، و یا دل سپردن به سنت‌های طاغوتی و رغبت به احیاء آن‌ها و بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی به ارزش‌های اسلامی و انقلابی که دل را می‌میراند و نشاط و شوق خدمت به مردمی را که مخلصانه جان و مال خود را در راه انقلاب داده‌اند، سلب می‌کند و آنان را نومید و غمگین می‌سازد. [۱۳۷۰/۳/۱۳]

اشراقی گری شاخ و دم ندارد

من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراق عروسی بگیریم، مثل خانگی اشراق خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراق در خیابان‌ها حرکت کنیم! اشراق مگر چگونه بودند؟ چون آن‌ها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می‌شویم. واللّه در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا»^۱ بترسیم. تُرّف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. [۱۳۷۰/۵/۲۳]

^۱ سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۱۶

اندازه نگه دارید

این چه وضعی است که همینطور بی حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌ای، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسئولان آنجا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟

من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسئول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقایی که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد.

والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه‌ی جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.

به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ اینها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشمها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دورانداختن دنیا، نمی‌شود در چشمها شیرین ماند. مردم رودبایستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودبایستی ندارد.

[۱۳۷۰/۵/۲۳]

مگر مردم کورند؟!

شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسایل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قایل نشدیم - مگر حدی که در دسر قضایی درست بکند! - و هرچه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ مگر مردم کورند؟ ایرانیان همیشه جزو هوشیارترین ملت‌ها بوده‌اند؛ امروز هم به برکت انقلاب از هوشیارترین‌هایند؛ از هوشیارها هم هوشیارترند. آقایان! مگر مردم نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟ [۱۳۷۰/۵/۲۳]



دولت باید برای این‌ها خودکشان کند...

در جبهه‌ها چه کسانی بودند؟ نسبت‌ها را ملاحظه بکنید؛ خیلی از این پولداران، از این مرفهان جامعه، از این بی‌دردها و بی‌احساس‌ها، هشت سال جنگ آمد و رفت، اما این‌ها جنگ را حس نکردند؛ همان غذا، همان راحتی و همان آرامش! اگر چهار روز هم آن شهر مورد تهاجمی بود، سوار ماشینشان می‌شدند و به یک‌جای دیگر می‌رفتند و راحت استراحت می‌کردند؛ نفهمیدند که بر سر این مملکت چه گذشت! این‌ها آن مردمی نیستند که دولت و دستگاه‌ها باید برای خدمت به آن‌ها خودکشان کنند. نه، آن کس که جنگ و بمباران و محاصره‌ی اقتصادی و کم‌آبی و کم‌برقی و گرانی و سایر مشکلات را با همه‌ی وجود در این ده، دوازده سال احساس کرده، در درجه‌ی اول او باید مورد توجه باشد. مردم که می‌گوییم، یعنی این‌ها؛ همان عامه‌ای که امیرالمؤمنین [سلام‌الله‌علیه] در آن فرمان تاریخی‌شان به مالک اشتر فرمودند که عامه را داشته‌باش، خاصه را رها کن. عامه، یعنی همان‌هایی که در جنگ با تو هستند، در مشکلات با تو هستند، سختی‌ها را با تو تقسیم می‌کنند، غم تو را از دلت می‌زدایند، خودشان را سپر بلای تو قرار می‌دهند و صادقند؛ نه عافیت‌طلب‌های پُرووی پُرخور پُرخواهی که هیچ‌وقت هم قانع نمی‌شوند. تا وقتی که خبری به آن‌ها برسد، تو را می‌خواهند؛ به مجرد این که ذره‌ای کم شود، رویشان را برمی‌گرداندند. [۱۳۷۰/۵/۲۳]

من نمی‌گویم در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم

اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش‌های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاه‌ها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاه‌ها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیون‌ها و تغییر خانه‌ها و خرج‌های اضافی حدی معین نکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسئول و یک‌مقدار هم بالاخره امکانات



برای زندگی آن آقایی که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد.
[۱۳۷۰/۵/۲۳]

انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند!

گاهی از جاهایی گزارش‌های نومیدکننده‌ای می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسأله را در جایی بپرند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین‌طور بی‌حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌ای، ده‌ها ماشین به رنگ‌های گوناگون متعلق به مسئولان آن جا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟

گزارش آمده که روحانی عقیدتی، سیاسی در یکی از دستگاه‌ها، خودش ماشین دارد، ولی ماشین دولتی سوار می‌شود! من نوشتم که حق ندارد این کار را بکند. برای من جواب آمد که این کار رویه است و همه می‌کنند! این آقا خودش یک ماشین دارد، که برای خودش لازم است؛ یکی هم خانمش دارد و نمی‌شود که خانمش از این ماشین استفاده کند! عجب! این چه حرفی است؟

من الان اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید؛ ماشین دولتی یعنی چه؟ والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه‌ی جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.

به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ این‌ها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشم‌ها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دوراندختن دنیا، نمی‌شود در چشم‌ها شیرین ماند. مردم رودریابستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودریابستی ندارد.





من بارها عرض کرده‌ام که خدای متعال در چند جای قرآن درباره‌ی بنی اسرائیل می‌گوید: «و فضلناهم علی العالمین^۲؛ ما شما را بر همه‌ی مردم دنیا برتری دادیم. همین بنی اسرائیلند که باز قرآن درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید: «و ضربت علیهم الذلّة والمسکنه و باؤا بغضب من الله^۳». چرا؟ رفتار خود آن‌ها موجب چنین وضعیتی شد. مگر خدا با من و شما قوم و خویشی دارد؟ مگر خدا با جمهوری اسلامی و با این اسم قوم و خویشی دارد؟ من و شما هستیم که باید معین کنیم این جمهوری، اسلامی است، یا اسلامی نیست؛ این هم در رفتار ماست. [۱۳۷۰/۵/۲۳]

مصرف به اندازه

مصرف بی‌رویه و زیاد، قاعدتاً از سوی قشرهای مرفّه انجام می‌گیرد؛ چون قشرهای ضعیف قادر نیستند که زیاد مصرف کنند. مصرفی که از سوی یک قشر انجام می‌گیرد، به زیان کشور است. یعنی هم زیان اقتصادی، هم زیان اجتماعی و هم زیان روانی و اخلاقی دارد. من مکرراً عرض کرده‌ام، باز هم می‌گویم و خواهش می‌کنم که مصرف‌گرایی را رها کنند. مصرف باید به اندازه باشد، نه به حدّ اسراف و زیاده روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است. امروز بسیاری از قشرهای مردم و خانواده‌ها دچار مشکل و زحمتند و هنوز اثرات و ثمرات بازسازی کشور، خودش را به‌طور کامل نشان نداده و خیرات و برکاتش به همه نرسیده‌است. اندازه عبارت است از این که انسان خودش را هر چه می‌تواند به این قشرها نزدیک کند. مسئولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضایی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند. [۱۳۷۱/۱/۱]

اصلی‌ترین مسأله در تنظیم برنامه‌ها

در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسأله عبارت از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان، از تبعات دوران ستمشاهی و آثار سلطه‌ی بیگانگان است.

^۲ سوره جاثیه - آیه ی ۱۶

^۳ سوره بقره - آیه ی ۶۱

همه‌ی برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی باید به این هدف، متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها درست و قابل قبول است. [۱۳۷۱/۳/۷]

سازندگی را با مادی‌گرایی اشتباه گرفته اند!

عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. امروز بحمدالله مسئولین دلسوز و علاقه‌مند و رئیس جمهور انقلابی و مؤمن بر سر کارند، و کشور را می‌خواهند بسازند. اما عده‌ای، سازندگی را با مادی‌گرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادی‌گری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند. سازندگی، کاری بود که علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام داشت؛ که حتی شاید در دوران خلافت هم - که حالا من این را تردید دارم. اما تا قبل از خلافت، قطعی است - با دست خود نخلستان آباد می‌کرد؛ زمین احیا می‌کرد؛ درخت می‌کاشت؛ چاه می‌کند و آبیاری می‌کرد. این، سازندگی است! دنیاطلبی و مادی‌طلبی، کاری است که عبیدالله زیاد و یزید می‌کردند. آن‌ها چه وقت چیزی را به وجود می‌آوردند و می‌ساختند؟! آن‌ها فانی می‌کردند؛ آن‌ها می‌خوردند؛ آن‌ها تجملات را زیاد می‌کردند. این دو را با هم اشتباه نباید کرد. امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟! [۱۳۷۱/۴/۲۲]

عیش و طرب، ابزار تهاجم فرهنگی دشمن

ملت ما، ملتی بود که از هرزگی و عیاشی‌های فراگیر و مجالس عیش و طرب و این چیزها، بری بود. این کارها مخصوص اشراف و پادشاهان و شاهزاده‌ها و ملک‌زاده خانم‌ها و امثال این‌ها بود، که عیاشی کنند و شب تا صبح بیدار بمانند. اروپایی‌ها، میخانه‌هایشان در طول مدت شب و روز و دوران سال و همه‌ی تاریخ همیشه روبه‌راه بود. این، تاریخ اروپاست. هرکس می‌خواهد، برود بخواند و ببیند. این را خواستند وارد کشور ما بکنند و تا آنجا که توانستند، کردند. در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد. [۱۳۷۱/۵/۲۱]



معنای زهد

اشتباه نکنیم! بی‌رغبتی به دنیا، به معنای پشت کردن به تلاش، سازندگی، مبارزه و ساختن جهان به شکل مطلوب نیست. آن زحمت‌ها را باید کشید. کسی که بی‌رغبت به دنیاست، زاهد است؛ یعنی همه آن زحمت‌ها را می‌کشد، مجاهده می‌کند، مبارزه می‌کند، خود را در میدان‌های مبارزه حتی به خطر هم می‌اندازد، تا پای جان هم پیش می‌رود، بازوی او، پای او، مغز او، جسم او، روح او و دارایی او هم - اگر دارد - در راه ساختن دنیای خوب مصرف می‌شود؛ منتها وقتی نوبت برداشتِ شخصی از خزانه دنیا می‌رسد، کم برمی‌دارد. این، معنای زهد است. [۱۳۷۱/۱۰/۱۷]

هدف جمهوری اسلامی

هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است. مبدا کسانی در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصوّر کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادی! یعنی عده‌ای از انواع و اقسام راه‌های تولید ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هر طور زندگی کردند، کردند! [۱۳۷۱/۱۰/۱۷]

رعایت مضاعف نسبت به «ضعیف»

تاریخ اروپا پر است از داستان‌ها و قضایایی که نشانگر این است که در برهه‌هایی طولانی از زمان، وظیفه‌ی اصلی دستگاه قضا در بسیاری از کشورها یا همه‌ی کشورهای اروپایی و غربی، حمایت از طبقه‌ی اشراف و صیغه‌ی اشرافی‌گری بوده است. آن‌ها جرایم بزرگ اشراف را نادیده می‌گرفتند و جرایم کوچک آحاد مردم را به شدیدترین وجه مورد مؤاخذه قرار می‌دادند. صیغه‌ی دستگاه قضایی ما، باید نقطه‌ی مقابل این باشد. قدرتمند، قدرت دارد؛ اما این ضعیف است که باید رعایت مضاعف نسبت به او انجام گیرد. کسی که نشان داده است برای خدا حاضر است جان‌فشانی کند و حال در یک واقعه‌ی قضایی گیر افتاده است و نمی‌تواند درست حقایقیت خودش را بیان کند - چه برسد به اثبات آن - باید به او کمک کرد؛ به او باید نگاه مضاعف



کرد؛ به او بایستی رسید، تا اگر حق است معلوم شود و اگر هم حق نیست که هیچ.

[۱۳۷۱/۱۰/۲۳]

خطر اشرافیت جدید در دنیای اسلام

بعد از آن که اسلام، اشرافیت را قلع و قمع کرده بود، یک طبقه اشراف جدید در دنیای اسلام به وجود آمد. عناصری با نام اسلام، با سمّت‌ها و عناوین اسلامی - پسر فلان صحابی، پسر فلان یار پیغمبر، پسر فلان خویشاوند پیغمبر - در کارهای ناشایست و نامناسب وارد شدند، که بعضی از این‌ها، اسم‌هایشان در تاریخ ثبت است. کسانی پیدا شدند که برای مهریه دخترانشان، به جای آن مهرالسّنه چهارصدو هشتاد درهمی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمانان صدراسلام مطرح می کردند، یک میلیون دینار؛ یک میلیون مثقال طلای خالص قرار دادند! چه کسانی؟ پسران صحابی‌های بزرگ، مثلاً مصعب بن زبیر و از این قبیل. وقتی می‌گوییم فاسد شدن دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که بتدریج بیماری اخلاقی مسری خود - دنیازدگی و شهوت‌زدگی - را که متأسفانه مهلک هم هست، همین‌طور به جامعه منتقل کنند. [۱۳۷۱/۱۱/۶]

ملاحظه کشورتان را هم بکنید!

کسانی که پول و امکانات دارند، فقط به فکر خودشان نباشند؛ چون آن پول هم از همین کشور به‌دست آمده، آن پول هم در سایه همین ملت و از همین آب و خاک به‌دست آمده است. چه کسی می‌تواند بگوید «من پول دارم و در پولدار شدن خودم، موهون خدمات و کمک‌های دولت و ملت نیستم»؟ مگر چنین چیزی می‌شود؟ از آسمان که برای انسان پول نمی‌ریزند! پول در همین زندگی و تلاش روزمره به‌دست می‌آید. هزاران نفر کار می‌کنند؛ یک‌نفر تصادفاً پولدار می‌شود. کسانی که پول و امکان دارند، این پول را فقط برای استفاده خودشان مصرف نکنند. شما اگر می‌خواهی در جایی سرمایه‌گذاری کنی و به کاری بپرداز، فقط به فکر این نباش که این کار چقدر به من سود می‌رساند؟ ما نمی‌گوییم هیچ ملاحظه شخص خودتان را نکنید. می‌گوییم ملاحظه کشورتان را هم بکنید. [۱۳۷۲/۲/۱۵]





مطلقاً وارد نشوید!

به نظر من، آقایان وزرا و مسئولان بالای کشور بخصوص، اگر بخواهند از این دغدغه‌های گوناگون، خودشان را خلاص کنند و این خدمت بزرگ و خالص و خوبی را که ارائه می‌دهند، بی هیچ دغدغه و اشکال، در نامه عمل خودشان ثبت کنند و برای این کشور، ان‌شاءالله مستدام بدارند، راهش این است که در فعالیت‌ها و تلاش‌های اقتصادی شخصی و گروهی، مطلقاً وارد نشوند. شما که بحمدالله به کم قانع شدید. یک وقت، آقای هاشمی، شخصی را برای وزارت دعوت کرده بودند که بیاید برای بخشی، مسئولیتی پیدا کند. پیش ایشان آمده بود و گفته بود که من اگر بیایم وزیر شوم، زندگی‌م لنگ می‌ماند؛ ولی حالا زندگی‌م می‌گردد! یادم نیست حالا ایشان قبول کردند و مثلاً گفتند چیزی اضافه می‌دهیم، یا قبول نکردند. قاعدتاً این طور است که اگر کسانی با تخصص‌های خوب، در بخش‌های دیگر کشور بروند کار کنند، البته ممکن است زندگی‌شان بهتر هم بشود. زندگی‌های راحت‌تر و درآمدی بیشتری خواهند داشت. طبعاً وزارت، این طور نیست. بر حسب قاعده، یک مقدار سطح برخورداری‌ها و تنعم‌ها را، از دیگر بخش‌ها کمتر خواهد کرد. [۱۳۷۵/۶/۸]

لزوم پیشرفت همه مردم

مردم بایستی در کارهای دولت، سهمیم، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته اساسی که در این‌جا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده‌ی دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش‌های مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. [۱۳۷۵/۶/۸]

مراقبت از حق طبقات ایتارگر

در همه مراحل، مواظب و مراقب باشیم و نگذاریم که خدای نکرده، حق طبقات ایتارگر کشور - مثل خانواده‌های شهداء، جانبازان، رزمندگان و کسانی که در راه خدا واقعاً جهاد کردند و زحمت

کشیدند - به بعضی از حرف‌ها و نق‌هایی که گاهی گوشه و کنار زده می‌شود؛ آن هم از سمت کسانی که در جنگ، هیچ گونه دلسوزی‌ای نداشتند و برای این انقلاب و برای جنگ و در میدان‌های خطر، هیچ گونه تلاشی نکردند، ضایع شود. [۱۳۷۵/۶/۸]

بهره‌های کلان ظاهراً قانونی، منشأ فقر

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که می‌توانند از موجودی‌های کشور، سودها و بهره‌های بی‌حساب و کلان ببرند و ظواهرش این است که مثلاً در صورت‌های قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری می‌کنند - یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد - بدون شک، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع محدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار گیرد. همین توری هم که همیشه از آن می‌نالید و همه می‌نالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاه‌های مختلف دولت، توجه دقیقی شود که جلوی استفاده‌های غیرمنطقی و غیرصحيح منتهی و منجر به ثروت‌های کلان، گرفته شود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را می‌بخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج شود. [۱۳۷۵/۶/۸]

احساس بهره‌مندی یکسان

قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم یکسان باشد. در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها یکسان باشد. البته انسان با یکی دوست و خویشاوند است؛ لذا ارتباطات با همه، به یک صورت نیست. آن کسانی که در جایی مسئولیتی دارند - مسئول یک اداره یا یک میز، فرقی نمی‌کند. مسئولیت یک ناحیه کوچک، یا مسئولیت‌های بزرگ، همه مثل هم است - می‌دانند که بالاخره انسان با یکی آشنا و با یکی آشنا نیست. نمی‌خواهیم این را بگوییم. منظور ما برخورد و رفتار قانونی است. آن جایی که پای امتیازات به میان می‌آید و حرکت و نگاه و اشاره، از سوی این مسئول، منشأ اثر می‌شود، این جا باید یکسان باشد. همه باید احساس کنند که به طور یکسان





از خیرات نظام اسلامی بهره‌مند می‌شوند. البته بعضی‌ها تنبلند و دنبال کار نمی‌روند؛ بعضی‌ها کوتاهی می‌کنند؛ بعضی به خودشان ظلم می‌کنند؛ حساب آن‌ها جداست. [۱۳۷۵/۹/۵]

موفقیتی بدست نیاورده ایم!

ما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابری حقوق و احیای کرامت زن و مرد مسلمان فعالیت نکنیم، موفقیتی به دست نیاورده ایم. موفقیت، آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانایی‌های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم. [۱۳۷۵/۱۲/۱۸]

بازسازی خطرناک!

دوران بازسازی، دوران شکوفایی و پیشرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطر گرایش آدم‌های ضعیف به سمت اشرافی‌گری و تجمل و انباشت ثروت و سوءاستفاده اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسئولان و هم آحاد مردم. [۱۳۷۶/۱/۱]

اسراف لازمه اشرافی‌گری

صرفه‌جویی به معنای گدازایی نیست که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمت‌های خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافی‌گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تزیین اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه‌جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده‌روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه‌ای بخواهد قناعت و صرفه‌جویی را - که یک دستور اسلامی است - عمل کند، باید متوجه باشد که در شکل کلی به عدالت اجتماعی و مسأله عدالت پرداخته شود. [۱۳۷۶/۱/۱]

سازندگی بدون دنیاطلبی

عزیزان من! انسان این تحولات اجتماعی را دیر می‌فهمد؛ باید مراقب بود. تقوا یعنی این. تقوا یعنی آن کسانی که حوزه حاکمیتشان شخص خودشان است، مواظب خودشان باشند. آن کسانی هم که حوزه حاکمیتشان از شخص خودشان وسیعتر است، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب دیگران باشند. آن کسانی که در رأسند، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب کل جامعه باشند که به سمت دنیاطلبی، به سمت دل بستن به زخارف دنیا و به سمت خودخواهی نروند. این معنایش آباد نکردن جامعه نیست؛ جامعه را آباد کنند و ثروت‌های فراوان به وجود آورند؛ اما برای شخص خودشان نخواهند؛ این بد است. هر کس بتواند جامعه اسلامی را ثروتمند کند و کارهای بزرگی انجام دهد، ثواب بزرگی کرده است. این کسانی که بحمدالله توانستند در این چند سال کشور را بسازند، پرچم سازندگی را در این کشور بلند کنند، کارهای بزرگی را انجام دهند، این‌ها کارهای خیلی خوبی کرده‌اند؛ این‌ها دنیاطلبی نیست. دنیاطلبی آن است که کسی برای خود بخواهد؛ برای خود حرکت کند؛ از بیت‌المال یا غیر بیت‌المال، به فکر جمع کردن برای خود بیفتد؛ این بد است. باید مراقب باشیم. [۱۳۷۷/۲/۱۸]

این‌ها از کشور دفاع نمی‌کنند

اگر خطری این کشور را تهدید کند، آن کسانی حاضرند پا در میدان بگذارند و فداکاری کنند و از خودگذشتگی نشان دهند، که روحیه ایمانی و روحیه ایثار دارند. آدم‌های خودپرست منفعت طلبی که در همه عمرشان، به جز منافع شخصیشان چیز دیگری را نمی‌بینند، این‌ها که از یک کشور دفاع نمی‌کنند؛ از منافع ملت دفاع نمی‌کنند. وقت جنگ که بشود، جای این‌ها خالی است؛ وقت خطر که پیش آید، جای این‌ها خالی است؛ وقتی خطری نیست، زبان این‌ها دراز است: «سَلِّقُوا كُم بِأَسْنَتِهِ حِدَادًا». [۱۳۷۷/۵/۲۷]

اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف

قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباس‌های فاخر ظاهر می‌شدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوششان می‌آمد! فرهنگ عمومی





را این‌گونه شکل داده بودند. بعد از انقلاب بعکس شد. لذا کسانی هم که اهل کارهای اشرافی‌گری بودند، از ترس گرایش مردم، اجتناب می‌کردند؛ اما امروز بتدریج می‌خواهند کار را بعکس کنند. به نظر من، اشرافی‌گری برای یک کشور آفت است؛ اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف است؛ به‌مخاطر این‌که اگر اشراف عالم از مال خودشان - حالا حلال و حرامش به عهده خودشان - خرج می‌کنند، از مال خودشان اشرافی‌گری می‌کنند؛ اما اگر مسئولان اشرافی‌گری کنند، از مال مردم خرج می‌کنند؛ مال خودشان که نیست. این اشرافی‌گری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر، درست خواهد شد. [۱۳۷۸/۹/۱]

راه علاج، فرهنگ عمومی مردم

شما بدانید که گرایش اشرافی‌گری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال این‌ها علاجش کرد؛ خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست. این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند تا این علاج شود. آن کسانی که به اشرافی‌گری گرایش دارند و دلشان برای زندگی اشرافی لک می‌زند - یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط مردم - یکی از کارهایی که می‌کنند، این است که این دید و ذهنیت را در مردم به وجود آورند که این چیز خوبی است و ارزش است؛ کم‌این که قبل از انقلاب این‌گونه بود. [۱۳۷۸/۹/۱]

بسیاری از مشکلات اصلاً حل نخواهد شد، اگر...

فضا را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمل‌گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد.

[۱۳۷۸/۱۰/۴]

این قانون، اسلامی نیست!

قانون باید بتواند از حقوق ضعفا دفاع کند، و الاً قانونی که پولداران را پولدارتر کند، قانون مملکت اسلامی نیست. قانون باید بتواند گره‌ها را باز کند و به درد دل قشرهای محروم برسد.
[۱۳۷۸/۱۱/۱۳]

هنگامه‌ی خطر

اگر خواص یک کشور - یعنی نیروهایی که با زبانشان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضایشان، بر روی مسیر یک ملت اثر می‌گذارند - میل به سازش و راحت‌طلبی و زندگی مرفه و خوشگذرانی پیدا کنند و از حضور در میدان‌های خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید می‌کند.
[۱۳۷۹/۳/۱۴]

در قلوب این‌ها مرض است

این غلط است که اگر مجرم به یک مجموعه سیاسی وابسته باشد، باید در مقابل او کوتاه آمد؛ آن هم با این دلیل غیر محکمه پسند که اگر مجرمیت او مورد تأکید قوه قضاییه قرار گیرد، جنجال خواهد شد! قرآن کریم می‌فرماید «و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین»^۴؛ اگر قضاوتی که می‌شود، برخلاف مصلحت آن‌ها باشد، جنجال می‌کنند؛ اما اگر برطبق میل و نظر آن‌ها باشد، آن وقت آن را می‌پذیرند. بعد می‌فرماید: «افی قلوبهم مرض»^۵. این قضاوت قرآن است. [۱۳۷۹/۴/۷]

همه یکسانند

آن جایی که قانون در میان است، همه یکسانند. این امر بسیار مهمی در اسلام است. دیگران هم ادعای این را می‌کنند، اما اسلام این را در عمل نشان داده است. [۱۳۷۹/۴/۷]

^۴ سوره نور - آیه ۴۹

^۵ سوره نور - آیه ۵۰



کارتان در این جهت نباشد

یک نشانه دیگر مردم سالاری این است؛ «و لیکن احبّ الامور الیک اوسطها فی الحقّ و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة»؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیعتری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آن‌ها هرچه وسیعتر باشد و رضایت و خشنودی عامّه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروه‌های خاص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطاییم. الان شما اگر وزیرید، اگر نماینده‌اید، اگر از مسئولان مربوط به نیروهای مسلحید، اگر مربوط به رهبری هستید، اگر مربوط به قوه قضاییه هستید، هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد؛ که این‌ها در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام به «خاصّة» تعبیر شده است. بعد می‌فرماید: «فانّ سخط العامّة یجحف برضی الخاصّة»؛ اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، ناراضیتی مردم این گروه‌های خشنودشده خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد. «و انّ سخط الخاصّة یغتفر مع رضی العامّة»؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آن‌ها کار کردید، بگذار این‌ها ناراضی باشند. «یغتفر»؛ این ناراضی بخشوده است... [۱۳۷۹/۹/۱۲]

زندگی مسئولین

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجمّلانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف‌آمیز و تجمل‌آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. [۱۳۷۹/۹/۲۵]

نهج البلاغه^۶



نباید طوری زندگی کنند که...

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف‌آمیز و تجمل‌آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. این هم نقطه بعدی است که اهمیتش از اولی بیشتر است، یا لاقلاً کمتر نیست. فرض بفرمایید اگر به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی خانوادگی، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه‌ها و جهیزیه‌ها و از این قبیل، به شکل غیر اسلامی آن - به معنای مسرفانه - انجام گیرد، این به فرهنگ تبدیل می‌شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند؛ مهریه‌ها بالا می‌رود، ازدواج‌ها مشکل می‌شود، زندگی سخت می‌شود و همین رفتار بتدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند، در متن جامعه منعکس می‌گردد. [۱۳۷۹/۹/۲۵]

انقطاع عامل انحطاط

برای یک مسئول در دستگاه حکومتی انقطاع از واقعیات و دوری از مردم، عامل انحطاط است... البته انقطاع از مردم - که در تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام احتجاب از مردم است؛ یعنی حجاب داشتن و با مردم هیچ مواجه نشدن چیز بسیار خطرناکی است... به خاطر احتجاب از مردم، آگاهی انسان از همه چیز کم می‌شود. [۱۳۷۹/۱۲/۹]

رفتار علوی یعنی...

هر کس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد - یا به زبان بگوید، و یا اگر نمی‌گوید، در عمل این‌طور وانمود کند که ما این‌قدرها حق داریم - و با بیت‌المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی‌تواند دنباله‌رو علی به حساب آید. [۱۳۸۰/۱/۱]



الگوی بی‌درد، خیر!

صدا و سیما و روزنامه‌ها نباید همواره برای جوان الگوی یک جوان اشرافی بی‌درد تن به‌راحت داده عیاش را مطرح کنند. [۱۳۸۰/۲/۱۲]

این فریب است!

این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این‌که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آن‌ها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختی‌های نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. این‌ها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند. [۱۳۸۰/۳/۱۴]

رشد بادکنکی

اگر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم می‌شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. این‌طور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفایی‌های بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم... ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ اما نه آن‌گونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و - همان‌طور که گفتیم - ما می‌توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم



در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است. [۱۳۸۰/۴/۱۰]

قشر بی‌بلندگو و تربیون

ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تربیون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تربیون‌ها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هر جا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌ماند. [۱۳۸۰/۶/۵]

اشرافی‌گری دو عیب دارد؛

از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافی‌گری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافی‌گری، اسراف است - اشرافی‌گری حلال را می‌گوییم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می‌کند. البته در این زمینه مسئولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ تلویزیون بسیار نقش دارد؛ متش من و شما هم بسیار نقش دارد. من یک وقت شنیدم که یکی از وزرای معادن - نمی‌گویم در چه سالی - انواع و اقسام سنگ‌های گران‌قیمتی را که ما در کشور داریم، آورده و در وزارتخانه‌اش کار کرده است! من در این جا او را خواستم و به او گفتم: شما چرا این کار را کردی؟ گفت: وقتی مسافران خارجی به وزارتخانه می‌آیند، این سنگ‌ها جلو چشمشان قرار گیرد و مشتری پیدا شود! شما را به خدا، این منطق، قابل قبول است؟! ما این همه خرج کنیم و سنگ‌های وزارتخانه را - که دارد یا ندارد - جمع کنیم و سنگ جدید نصب کنیم، برای این که مشتری پیدا کنیم! شما می‌توانید در سالن اصلی وزارتخانه خود چارچوب بزرگی را به طول پنج و عرض سه متر درست کنید و انواع و اقسام سنگ‌های پتان را به شکل بسیار بدیع و زیبا در آن جا بچینید - کسانی هستند که کارشان همین چین‌هاست - بعد هر میهمانی آمد، به عنوان ادای احترام، او را به آن جا ببرید تا سنگ‌ها را تماشا کند؛ هم تماشا است، هم مشتری‌یابی؛ این که بهتر است. بهانه برای



تجمل‌سازی، واقعاً مناسب نیست. به نظر من زرق و برق در زندگی شما وقتی به بیرون منعکس شود، آن اشکال دوم را دارد: فرهنگ می‌سازد و یک عده نوکیسه و تازه به دوران رسیده را به خرج‌ها و تجمل‌بازی زیادی تشویق می‌کند. بعد هم می‌بینند رؤسای نظام هستند؛ همه به آن طرف حرکت می‌کنند؛ آن وقت از شما تندتر هم می‌روند؛ چون شما بالاخره ملاحظاتی دارید که بسیاری از آن‌ها ندارند. البته من در این زمینه‌ها قبلاً سفارش‌هایی به عزیزان کرده‌ام. [۱۳۸۰/۶/۵]

این ساعت‌ها متعلق به مردم است

من یک وقت به بعضی از مسئولان دولتی پیغام دادم و گفتم ساعتی را که شما در جلسه حزبی خود صرف می‌کنید - البته نمی‌گویم پول و امکانات می‌گیرید - متعلق به دولت و مردم است. شما حق ندارید آن را صرف مسائل حزبی و جناحی و گروهی و امثال این‌ها بکنید. یک مقدار ضعف‌های ما ناشی از این‌هاست؛ و آلاً ما مدیران خوبی داریم. [۱۳۸۰/۸/۱۲]

مسئول جمهوری اسلامی حق ندارد به اشراف نگاه کند!

این پذیرفته نیست که ما جهتی را انتخاب کنیم که نقطه مقابل جهت امیرالمؤمنین باشد. او به سمت سختگیری بر خود می‌رفت، حال هدف مسئول عالی دولتی و حکومتی ما از قبول مسئولیت و مأموریت، عمران و آباد کردن دنیای خود باشد؟ این نمی‌سازد و ممکن نیست. من در سال گذشته هم در چنین ایامی عرض کردم، پذیرفته نیست که مأمور عالی‌رتبه نظام جمهوری اسلامی، مثل بقیه کاسبی‌ها، مسئولیت خود را یک کاسبی حساب کند. مسئولیت‌های والا در نظام جمهوری اسلامی، کاسبی و سرمایه نیست که انسان برای اداره دنیای خود به دنبال آن برود. مسئول نظام جمهوری اسلامی حق ندارد به اعیان و اشراف و پولدارها نگاه کند و زندگی خود را با آن‌ها بسنجد؛ حق ندارد خود را با نظایر و اشیاء خود در حکومت‌های طاغوتی بسنجد. آری؛ در دستگاه‌های طاغوتی، یک وزیر، یک مدیر کل و یک رئیس، از زندگی‌های آن چنانی برخوردارند؛ ما هم امروز بیاییم و خود را با آن‌ها بسنجیم و بگوییم ما هم وزیر و مدیریم؟!!



نه؛ در نظام اسلامی این گونه نیست. در نظام اسلامی، این مأموریت، طعمه نیست؛ یک مسئولیت و یک خدمت و یک وظیفه بر گردن انسان است. [۱۳۸۰/۹/۱۶]

حظّ تواز این حکومت باید این باشد که...

امیرالمؤمنین در یک جا به ابن عباس نوشت: «فلا یکن حظّک فی ولایتک مالا تستفیده و لا غیظاً تشتفیه». بهره‌ای که می‌خواهی از حکومت و استانداری خود در آن منطقه‌ای که تو را فرستاده‌ایم، ببری، این نباشد که مالی به دست آوری و یا خشمی را علیه کسی فرو بنشانی - فرضاً از قدرت، علیه فلان کس یا فلان جمع یا فلان قشری که با آن‌ها بدیم، استفاده کنیم. چنین چیزی جایز نیست - «ولکن امانه باطل و احیاء حقّ»: اما حظّ تواز این حکومت باید این باشد که باطلی را نابود کنی، یا حقّی را زنده و برپا داری. [۱۳۸۰/۹/۱۶]

بازی‌های جناحی، جلوی حق را نگیرد

(مسئولان دستگاه‌های اجرایی و قضایی) مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازی‌های سیاسی و خطّی و جناحی و غیره - که دشمنان از این‌که این چیزها در بین مسئولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می‌شوند - به میان نیاید؛ جلو حق را نگیرد و مانع دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشم‌ها نشود. [۱۳۸۰/۱۱/۳]

روح اشرافی‌گری

ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم؛ روح اشرافی‌گری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمل‌پرستی و امثال این‌ها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاری‌های ما در بخشی حل نشده است، علتش این‌هاست؛ این‌ها را باید اصلاح کنیم. [۱۳۸۱/۳/۱]



گزندگی تبعیض بیش از فقر

شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداری‌های ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین. این، مردم را آزار می‌دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است. [۱۳۸۱/۳/۷]

نفوذ صاحبان پول در ارکان حکومت...

یکی از بزرگترین خطرات حکومت‌هایی که معتقد به مبنایی هستند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند. این‌ها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. در این زمینه، از همه بدتر قوه قضاییه است. [۱۳۸۱/۴/۵]

دور باطل!

این‌که بنده تأکید می‌کنم باید مراقب سوءاستفاده‌های مالی در دستگاه‌های قدرت وابسته به حکومت بود، به خاطر این است. زیان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می‌گیرد و دور باطلی به وجود می‌آید. از قدرت و داشتن مسئولیت و مدیریت در بخش‌های مختلف برای جمع‌آوری ثروت و پول سوءاستفاده شود؛ بعد همان پول مجدداً در خدمت خریدن آراء رأی‌دهندگان قرار گیرد؛ حالا یا خریدن آشکار - که در خیلی جاها در دنیا معمول است پول بدهند - یا خریدن پنهان با شیوه‌های گوناگون؛ یعنی با خرج کردن‌های گوناگون، جلب محبوبیت کنند. وقتی با تبلیغات فریبنده پُرخرج، آراء مردم را به سمت خود جلب کنند، این مردم‌سالاری و دخالت مردم در امور نیست؛ رأی مردم در این‌جا بازیچه شده است. [۱۳۸۱/۷/۳۰]



تمرکز ثروت در یک نقطه!

در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریت‌ها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این‌طور شد، آن‌گاه دست‌ها و دامن‌ها پاک خواهد ماند؛ و آلا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستم‌های ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌گیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم. [۱۳۸۱/۷/۳۰]

ظاهر کار هم قانونی است!

این که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «ما رأیت نعمه موفوره آلا و فی جانبها حق مضیع»؛ یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده‌اش همین است که کارگزاران و مسئولان حکومت، با استفاده از نفوذ و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانک‌ها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون، امکان استفاده از زمین، آب، هوا، تجارت و وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آن‌ها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، ثروت‌های گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است. [۱۳۸۱/۷/۳۰]

بی تفاوتی به فقر نشانه تکذیب دین

«اللهم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». [مفاتیح الجنان: دعای یومیه ماه مبارک رمضان] این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان





موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أرأیت ألدی یکذب بالذین. فذلک ألدی یدع الیتیم. و لایحض علی طعام المسکین»^۷. یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند. [۱۳۸۱/۹/۱۵]

بلای بزرگ مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکاف‌های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاه‌های مسئول بخش‌های مختلف دولتی، بخصوص دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیاده‌ها بزنیم. [۱۳۸۱/۹/۱۵]

رفاقت، هرگز!

درباره‌ی انتخاب مدیریت‌های شهر و روستا توصیه می‌کنم امانت و دیانت و کفایت اشخاص را ملاک‌گزینش قرار دهید. رفاقت‌های شخصی و حزبی و ملاحظات سیاسی به هیچ‌رو، نباید مجوز‌گزینش مدیران فاقد ملاک‌های اصلی شمرده شود. به شهردار برگزیده‌ی خود کمک و فرصت دهید و از او مسئولیت و پاسخ بخواهید و در برابر کوتاهی‌ها یا کج رفتاری‌ها بی‌تفاوت نمانید و به وظیفه‌ی قانونی خود عمل کنید. [۱۳۸۲/۲/۶]

^۷ سوره ماعون آیه ۱-۳

واقعاً رنج می‌برم

موضوع دیگر، احساس تنعم و زندگی مرفه مسئولان است. من از این بابت واقعاً رنج می‌برم. این البته خطاب به شما نیست. بعضی از شما زندگی‌های خیلی معمولی و خوبی دارید. روند کار نباید به سمت تنعم روزافزون مسئولان و تظاهر به این معنا باشد؛ این غلط است. [۱۳۸۲/۶/۵]

برای یک مسئول عقیده و اخلاق مسأله‌ی شخصی نیست

برای یک مسئول عقیده و اخلاق مسأله‌ی شخصی نیست؛ مسأله‌ای اجتماعی و عمومی است؛ حاکم شدن بر سرنوشت مردم است. آن کسی که به مجلس می‌رود، یا به هر مسئولیت دیگری در نظام جمهوری اسلامی می‌رسد، اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمی‌تواند نقشی را که ملت و طبقات محروم می‌خواهند، ایفا کند. اگر آن شخص انسان معامله‌گر، رشوه و توصیه‌پذیر و مرعوبی بود؛ در مقابل تشریح تبلیغات و سیاست‌های خارجی جا زد، دیگر نمی‌تواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد و برود آن‌جا بنشیند و تکلیف ملک و ملت را معین کند. [۱۳۸۲/۹/۲۶]

پاسخگویی، از رهبری تا مأموران

مسئولان بلند پایه‌ی کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگوی کار خود، پاسخگوی تصمیم خود، پاسخگوی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخگویی است؛ این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم. [۱۳۸۳/۱/۲۶]

دور نشدن از سطح متوسط زندگی مردم

پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل و سفرهای





پرهزینه و بیهوده ی خرجی از کیسهی مردم ، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده بامردم است. [۱۳۸۳/۳/۷]

نماینده گی توده

نماینده ی مردم باید نماینده ی توده ی مردم باشد؛ بخصوص نماینده ی کسانی باشد که به حضور نماینده شان در سطوح تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور بیشتر نیاز دارند؛ آن هایی که دستشان به جایی نمی رسد و محرومیت بیشتری را دارند. پس در درجه ی اول، نمایندگی از مردم محروم را برای خودتان تعریف کنید. [۱۳۸۳/۳/۲۷]

حکومت عامل مردم است

نظام اسلامی در مقابل مردم قرار ندارد؛ مقابله ی حکومت و مردم مربوط به ادبیات نظام های استبدادی و دیکتاتوری است. در کنار نظام های استبدادی و دیکتاتوری، نظام هایی هستند که ولو ظاهرشان مردم سالارانه و دموکراسی است؛ اما باطنشان متکی به ثروت و به پول و به منافع طبقات خاص است. این نظام ها نیز مقابل مردم قرار دارند؛ چه اقرار کنند، چه اقرار نکنند؛ لیکن در نظام اسلامی حکومت عامل مردم است؛ دست مردم است؛ نماینده و خادم و کارگزار مردم است؛ صاحب حق، مردم اند. در چنین تشکیلاتی، قوه ی قضائیه بازوی قدرتمندی است که هر جا انحراف و تخلفی از این حالت پیدا شد، باید گریبان متخلف را بگیرد و رها نکند؛ این وظیفه ی بزرگ قوه ی قضائیه است؛ از جوسازی و از حمله و تهاجم و اتهام و بدگویی هم نباید ترسید و تحت تأثیر تشر و قدرت نمایی و قدرت طلبی و پول و پولدار و بقیه ی چیزها هم نباید قرار گرفت. [۱۳۸۳/۴/۷]

زندگی تجملاتی باید تخریب شود

به فضای همدردی با فقیران دامن بزنید. خوشبختانه صدا و سیما در چند سال گذشته برنامه های بسیار خوبی در این زمینه داشته، که درخور تقدیر است. دغدغه ی عدالت را در ذهن ها و دل های مردم دامن بزنید؛ این کار بسیار خوب است. البته سعی شود به جماعت فقیر و تهیدست

اهانت نشود و کرامت انسانی آن‌ها از بین نرود... زندگی تجملاتی نباید به هیچ وجه ترویج شود؛ بلکه باید تخریب شود و نقطه‌ی منفی به حساب بیاید. [۱۳۸۳/۹/۱۱]

حرف دهان پرکن سیاسی بی محتوا

مبادا مسئولان مثل بخشی از دوره‌های گذشته، سر خود را به مسائل سیاسی گرم کنند؛ با شعارهای پوچ سیاسی، خود و مردم را مشغول کنند و از واقعیات زندگی مردم دور بمانند. هم مردم مراقب باشند، هم نخبگان مراقب باشند، هم جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و گروه‌ها مراقب باشند که با حرف‌های دهان پرکن سیاسی بی محتوا وقت این ملت را تلف نکنند. [۱۳۸۴/۲/۱۱]

اختلاف طبقاتی، آفت نظام

فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف، و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌ی از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود. [۱۳۸۴/۲/۱۷]

نه اشراف سنتی، نه اشراف جدید

ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد... برخوردار از عدالت باشد؛ میرای از فساد باشد؛ طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد - چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانت‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند. [۱۳۸۴/۲/۱۹]

تحرز از نوع امریکایی

می‌خواهند احساسات عمومی و مردمی را تحقیر کنند و آن را عوام‌گرایی معنا کنند. آن‌ها دلشان می‌خواهد احزاب در کشور ما همان نقشی را ایفا کنند که در امریکا و در برخی از کشورهای





اروپایی ایفا می‌کنند؛ یعنی چند نفر آدم در رأس حزب بنشینند و با بده بستان‌های سیاسی و اقتصادی و با پول و یا بند و بست درباره‌ی فلان پروژه‌ی پول‌ساز نفتی و غیرنفتی، یک نفر یا چند نفر را انتخاب کنند، بعد به پیروان و طرفداران خود بگویند به این شخص رأی دهید؛ مردم هم چشم‌بسته و گوش‌بسته به او رأی دهند. در ایران هم بعضی دلشان می‌خواهد این‌طوری بشود؛ اما این‌جا این‌گونه نیست. [۱۳۸۴/۳/۲۵]

الناس علی دین «ماها»!

مسأله‌ی ساده‌زیستی شعار بسیار مهمی است؛ این را نباید دست کم گرفت. یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ هم‌ه‌اش حرام است؛ به‌خاطر این که تعلیم‌دهنده‌ی اشرافی‌گری است به: اولاً زیردست‌های خودمان، ثانیاً احاد مردم به این کار تشویق می‌شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی پول‌دار باشند و ریخت‌وپاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت‌وپاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت‌وپاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «الناس علی دین ملوکهم». ملوک در این‌جا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ الناس علی دین ماها. [۱۳۸۴/۶/۸]

عدالت کمونیستی، عدالت بی دوام

در همه‌ی کشورهایی که حرکت کمونیستی در آن‌جا به شکلی از اشکال - انقلاب یا کودتا - تحقق پیدا کرده بود، «عدالت» محور شعارهای آن‌ها بود؛ اما واقعیت زندگی آن‌ها مطلقاً نشان دهنده‌ی عدالت نبود؛ درست ضد عدالت بود. عده‌ای به اسم کارگر سر کار آمدند، که همان طبقه‌ی اشرافی رژیم‌های طاغوتی بودند و هیچ تفاوتی با آن‌ها نداشتند. زندگی سران کشورهای مارکسیستی این‌طور بود. بنده زمان مسئولیت ریاست‌جمهوری وضعیت اقشار پایین بعضی از

کشورهای سوسیالیستی را دیده بودم؛ آن چیزی که اسمش عدالت است و آن مفهومی که عدالت دارد، مطلقاً در آن جاها وجود نداشت. طبقه‌ی اشراف جدیدی در آن جا وجود داشت که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بود و از همه‌ی امکانات برخوردار بود؛ مردم هم در فقر و تهیدستی و بدبختی زندگی می‌کردند. این وضعیت حتی در بعضی از کشورهای درجه‌ی یکشان هم دیده می‌شد. بنابراین، این گونه عدالت‌طلبی بی‌دوام خواهد بود و از طریق درست خودش منحرف و ریاکارانه و دروغین خواهد بود. [۱۳۸۴/۶/۸]

در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم!

یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسئله‌ی حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می‌شود - هستیم؛ یک چنین تصویری درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد [سلام‌الله‌علیه] در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می‌خواهد، که یکی‌اش این است: «و لباً راجحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زنی‌طلبگی است. نمی‌گوییم عبا‌ی پاره به دشمنان بیندازیم؛ معنای زنی‌طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیاطلبی مثل دنیاطلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول‌پرست‌هاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما حالا پول نداریم، به‌مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافی‌گری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصت‌های دیگر





همین‌طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به‌طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. [۱۳۸۵/۸/۱۷]

تولید ثروت، با غارت ثروت دیگران فرق دارد!

تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک‌وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی می‌کند، یک‌وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ این‌ها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورید، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید- که در اسلام اسمش کتر کردن است- نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به این‌ها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. روح اصل ۴۴ و سیاست‌های اصل ۴۴ این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است. [۱۳۸۶/۱/۱]

همه توانایی پیدا کنند

امروز ثروتمندان زیادی در کشور ما هستند که برخوردار از ثروتند؛ این ثروت را می‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های سودمند و افتخارآفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم برای مردم سود دارد و هم مایه‌ی رضای خدا می‌شود؛ سرمایه‌گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول در درون کشور - با بهره‌دهی بالا - منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است؛ می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، تولید ثروت کنند؛

مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه‌ی طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصت‌ها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند؛ همه توانایی پیدا بکنند. [۱۳۸۷/۱/۱]

مسابقه بسیار نامطلوب

امروز متأسفانه همان‌طور که این جوان‌ها گفتند، مصرف‌گرائی و مسابقه‌ی تجمل‌پرستی و مسابقه‌ی پول درآوردن و تلاش برای پول کردن، یک طبقه‌ی جدیدی درست کرده. نظام اسلامی با تولید ثروت مخالف نیست، با ایجاد ثروت مخالف نیست، بلکه مشوق اوست. اگر تولید نباشد، اگر ایجاد ثروت نباشد، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد، اقتدار لازم را جامعه به دست نخواهد آورد؛ این یک اصل اسلامی است. اما اینی که آحاد مردم دلشان لک بزند برای مسابقه‌ی اشرافی‌گری، برای تجمل‌پرستی، این یک چیز بسیار نامطلوب است؛ این چیزی است که متأسفانه در درون ما هست. [۱۳۸۷/۲/۱۴]

قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد

خیلی بایستی مراقبت کرد که قانون تحت نفوذ افراد متنفذ قرار نگیرد. این که گفته می‌شود که در جمهوری اسلامی خوب است نمایندگان محترم در تبلیغات و در تلاش‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی‌شان کمک مالی از بعضی از مراکز دارای طمع قبول نکنند، به خاطر این است؛ چون بالاخره کمک کردن با طمع، مشکلات این‌جوری را به دنبال سر می‌آورد. نماینده‌ی مجلس این استقلال را که قانون اساسی به او داده است، خدا به او داده است، این قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب را خیلی باید اهمیت بدهد؛ این چیز مهمی است، چیز بزرگی است، این را نمی‌شود با چیزهای کوچک معامله کرد. [۱۳۸۷/۳/۲۱]

اشراف از نظر اسلام

اسم‌ها و عنوان‌ها و جایگاه‌ها و کرسی‌ها به انسان تشخص نمی‌دهد؛ تشخص واقعی و شرف واقعی در معانی دیگری است؛ همچنانی که در روایت داریم که «اشراف امتی حمله القرآن و اصحاب اللیل». اشرافیت در نظام‌های مادی معنایی دارد، ولی در نظام اسلامی اشرافیت معنای





دیگری دارد. آن کسانی که اصحاب‌اللیل‌اند - کسانی هستند که برای خدا در شب قیام می‌کنند - یا کار دشوار را برای مردم در شب انجام می‌دهند، یا آن کسانی که حملة‌القرآن هستند و با قرآن انس دارند و با نور قرآن و هدایت قرآن حرکت می‌کنند، «اشراف» این‌ها هستند. کسانی که پول دارند، ثروت دارند و جایگاه اجتماعی دارند، آن‌ها در منطبق و در نظام ارزشی اسلامی «اشراف» محسوب نمی‌شوند. [۱۳۸۷/۶/۲]

باید عمل کنیم

ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری و اسراف و زیاده‌روی را - که واقعاً بلای بزرگی است - از جامعه‌مان ریشه‌کن کنیم، با حرف و گفتن نمی‌شود؛ که از یک طرف بگوئیم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عملمان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرف‌های ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله‌تان را با طبقات ضعیف کم کرده‌اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید. [۱۳۸۷/۶/۲]

بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد...

اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمان‌های گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمان‌های گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمان‌ها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانون‌گذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است. [۱۳۸۸/۱/۱]

این پیشرفت نیست

افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌هایی شب توی خیابان می‌خوانند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادیشان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که این‌ها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسانهایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد. [۱۳۸۸/۲/۲۷]

می‌شود سرمایه‌گذاری کرد...

بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمی‌دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان می‌دهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات می‌کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسائل خانه، وسائل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. می‌شود پول را، درآمد را سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسائل این کار فراهم است. با فعال شدن بورس‌هایی که در کشور هست، می‌توان سرمایه‌گذاری کرد. همه می‌توانند آنچه را که دارند، در سرمایه‌گذاری‌ها دخالت بدهند. [۱۳۸۹/۱/۸]

زندگی مسئولان مطابق با ضعیف‌ترین اقشار

آنچه که انسان در دنیا از زندگی مسئولان مشاهده می‌کند، زندگی‌های اشرافی است؛ کسی که به حکومت می‌رسد، رئیس‌جمهور می‌شود یا یک مقام بالائی پیدا می‌کند، زندگی‌اش کأنه از این رو به آن می‌شود؛ در کشور ما نه. البته امثال بنده باید زندگی‌هایمان را مطابق با ضعیف





ترین اقشار جامعه قرار بدهیم. نتوانستیم، این توفیق را نداشتیم، این نشده است؛ اما زندگی مسئولین جامعه، مسئولین کشور بحمدالله مثل زندگی متوسط مردم، گاهی بعضی پائین تر از متوسط مردم است؛ این‌ها خیلی بارزتر است. [۱۳۸۹/۱۱/۱۵]

ثروت بیشتر، یارانه بیشتر!

همین مسئله‌ی سهام عدالت، همین مسکن روستائی، همین هدفمند کردن یارانه‌ها، یک کار بزرگی است. اگر ان‌شاءالله مسئولین کشور بتوانند این را خوب اجرا کنند و عمل کنند، این خیلی مهم است. این یارانه‌ای که دولت برای نیروی برق به همه‌ی مردم می‌داد، خب، آن کسی که توی خانه چهل چراغ و لوستر روشن می‌کند و مصرف برق بیشتری می‌کند، آن کجا، آن کسی که یک شعله، دو شعله‌ی برق توی خانه دارد، این کجا؟ آن کسی که ثروتمندتر است، بیشتر از این یارانه استفاده می‌کرد؛ این ظلم بود. می‌خواهند جلوی این ظلم را بگیرند. همین طور در قضیه‌ی نان، همین طور در قضیه‌ی بنزین و غیر این‌ها. ما ایستادیم. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد. [۱۳۸۹/۱۱/۱۵]

از مسولین به مردم می‌رود

ضعف‌های ما خطرهایی است که در سر راه ماست و در این مدت وجود داشته است و باید بعدها جلوی این‌ها را بگیریم. اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش‌یواش از قبح افتاد. وقتی ما این‌جور شدیم، این سرریز می‌شود به مردم. میل به اشرافی‌گری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده‌ی از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز می‌شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود. [۱۳۹۰/۱۱/۱۴]

«این مسئول از دل مردم برخاسته است»

باز اول پیروزی انقلاب، امام تکیه‌ی بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «پابرهنگان» و «کوخنشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافی‌گری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه‌های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید این‌ها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع‌آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافی‌گری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه می‌کرد که به کاخ‌نشینی و به اشرافی‌گری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال‌اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولین بودیم، امام دوست می‌داشت که با مردم ارتباط داشته باشیم، مأنوس باشیم؛ اصرار داشت که خدمات به اقصی نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره‌مند شوند. این‌ها ناظر به آن بُعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولین از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگی‌ها ملاک قبول مسئولیت‌ها نباشد. وابستگی به شخصیت‌ها، به فامیل‌ها، بالای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از یک مسئولی می‌گفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملاک را این می‌دانستند. از نظر امام بزرگوار، تکیه‌ی به ثروت و تکیه‌ی به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خب، این‌ها ابعاد خط امام است.

[۱۳۹۰/۳/۱۴]

شناخت آسیب‌های ناشی از مستی اشرافی‌گری

ما آسیب‌های ناشی از فقر را شناخته ایم، روی آنها برنامه ریزی میکنیم، درباره آنها جلسه میگذاریم، اما آسیبهای ناشی از مستی اشرافی‌گری را کانه درست نمی‌شناسیم؛ وقتی اشرافی‌گری، اسراف و تجمل در جامعه وجود داشته باشد و ترویج بشود، این قضا با به دنبالش پیش





می‌آید و به وجود می‌آید و همه دنبال این هستند که یک طعمه‌ای به دست بیاورند و خودشان را از آن سیر کنند، شکمها را از این مالهای حرام پر کنند. با این پدیده بایستی با جدیت مقابله بشود؛ مسئله عزل کردن و برکنار کردن و برگرداندن آنچه از بیت المال به صورت نامشروع خارج شده است، این را در دستور قرار بدهند.

این وظیفه‌ی همه است؛ مردم نسبت به این مسئله اهمیت میدهند و اگر چنانچه این قضیه اتفاق نیفتد دنبال گیری نشود، اعتماد مردم به نظام کاسته میشود که این فاجعه‌ی بزرگی خواهد بود. بایستی با اقدام جدی، اعتماد مردم را حفظ کرد. [۱۳۹۰/۰۴/۰۲]

در راه پیشرفت، اشرافی‌گری ممنوع

اگر ما مسوولان کشور -بخصوص این دیگر مربوط به ما مسوولان است- دچار خودمحوری شویم، دچار تکبر شویم، دچار خودشیفتگی شویم، تو دهنی خواهیم خورد. دنیا اینجور است، سنت الهی این است. در پی کسب محبوبیت نباشیم، دنبال تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به اشرافی‌گری و تجملات نباشیم. ما مسوولین خودمان را حفظ کنیم؛ همچنان که این مرد بزرگ خود را حفظ کرد. اگر ما اینجا دچار اشتباه شویم، مصداق همان آیه‌ی شریفه خواهیم شد که: "و اهلوا قومهم دارالبوار. جهنم یصلونها و بس القرار"

در راه پیشرفت، توقف ممنوع است؛ خودشیفتگی ممنوع است؛ غفلت ممنوع است؛ اشرافی‌گری ممنوع است؛ لذت‌جویی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن برای مسوولین ممنوع است [۹۱/۰۳/۱۴]

نشانه‌های اشرافی‌گری در جامعه کم نیست

از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البته تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه‌ی ما کم نیست اما وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم -حالا شما جوانها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما

و آنهایی که دیدیم قبل از انقلاب را- پیشرفت ملت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است. [۹۵/۰۵/۱۱]

اشراف‌گری بالای کشور است

جلوی اشراف‌گری باید گرفته بشود؛ اشراف‌گری بالای کشور است. وقتی اشراف‌گری در قله‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ {آن وقت} شما میبینید فلان خانواده ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی میخواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشراف‌گری حرکت بکند. وقتی اشراف‌گری فرهنگ شد، میشود این. جلوی اشراف‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسلمین، گفتار مسلمین، تعالیمی که می دهند، باید ضد اشراف‌گری باشد؛ کما اینکه اسلام این جوری است.

[۹۵/۵/۱۱]



بخش دوم: مبارزه با فساد

اقامه عدل از قله می جوشد

[فرهنگ اقامه عدل در قوه‌ی قضاییه] از بالا و قله می جوشد و به دامنه سرازیر می شود. یعنی اگر ما در بالا، گوشه‌ای از امر قسط و قسط خواهی و عدالت خواهی و دلسوختگی برای عدالت را کم ببینیم، لامحاله در دامنه نقایص زیادی به وجود خواهد آمد. [۱۳۶۸/۶/۲۰]

اولویت بندی کنید

در دنبال گیری مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، واقعاً اهم و مهمی درست کنیم. یعنی هیأت رئیسه و سیاستگذاران دستگاه قضایی - هر مجموعه‌ای که هستند - بنشینند موارد را «لاهم فی‌الاهم» کنند و مهمترین آن‌ها را دنبال نمایند؛ چون واقعاً امروز در جامعه موارد بدی وجود دارد که همه را باید دستگاه قضایی دنبال کند. ببینیم واقعاً کدام‌ها را بایستی در درجه‌ی اول قرار داد. الان مثلاً در جامعه فساد و ارتشاء و جرایم ضد انقلابی و براندازی و خدعه و تزویر و جعل و امثال این‌ها وجود دارد. در میان این موارد، کدام از همه مهمتر است؟ من خیال می‌کنم اگر بخواهیم دنبال اهم بگردیم، همین مسأله‌ی فسادهای مالی و اخلاقی و ارتشاء و تزویر و امثال این‌ها، چیزهایی است که بخصوص از مردم سلب امنیت می‌کند و واقعاً در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرند. [۱۳۶۸/۶/۲۰]

شدت مبارزه با فساد

در نظام اسلامی، چیزی که به شدت با آن مقابله می‌شود، رسوخ فساد است. در نظام اسلامی، با اعتقاد بد و نادرست، این‌طور مقابله نمی‌شود که با عمل غیر صحیح و عمل غیراخلاقی و خدای ناکرده رسوخ فساد مبارزه می‌شود. [۱۳۷۲/۵/۱۲]



فساد که نمی‌گوید من «فسادم»!

چیزی که امروز، در دوران بازسازی، مسئولین کشور، همکاران دولت، مدیران درجه دو و سه در دستگاه‌های دولتی، تا پایین‌ترین رده‌ها، باید با دقت مراقب باشند، این است که در این دوران بدانند خطر رسوخ و نفوذ فساد، جدی و فلج‌کننده است. واقعاً فلج‌کننده است! در این کار، فساد که نمی‌گوید «من فسادم»! فرد مفسدی که دیگران را به وادی فساد می‌کشاند - فساد مالی، فساد کاری، قرارهای نامشروع و ناموجه در زمینه‌های مسائل کاری - کسی که انسان را تشویق می‌کند و می‌غزاند به این سمت، از اول نمی‌گوید «من آدمم که شما را فاسد کنم». اول با یک عنوان موجه؛ با یک چیز کوچک وارد میدان می‌شود. انسان است و آسیب‌پذیری شدید. انسان، به شدت آسیب‌پذیر است. لذا، خیلی باید مراقب بود. [۱۳۷۲/۵/۱۲]

هدف دشمن

امروز آن‌ها منتظرند که فساد در داخل این کشور نفوذ پیدا کند؛ تردید در اذهان جوانان این کشور نفوذ پیدا کند؛ سرگرمی‌های بازدارنده و فاسد، بر آرمان‌های بزرگ غلبه پیدا کند؛ دنیاطلبی و اشتغال به مال و زینت دنیا رایج شود و لذت پول و زندگی راحت و تجملاتی، خود را زیر دندان عناصر انقلابی نشان دهد. [۱۳۷۳/۱۰/۱۵]

قوه قضاییه خودش را پاک کند

در حد امکان سعی شود که عناصر کارآمد جذب شوند و اگر کسانی هم به سبب نداشتن علم و خصوصیات لازم، این بار سنگین را نمی‌کشند، قوه قضاییه خودش را از وجود آنان پاک کند. [۱۳۷۴/۴/۷]



موسم ورود آدم‌های سوءاستفاده‌کن و فرصت‌طلب و کج‌دست و بددل و

سیاه‌رو

یکی از وظایف امروز آقایان، مبارزه با فساد است؛ چون کشور به ثمردهی رسیده و وقت میوه چینی است. زحمات گذشته شما به تدریج ثمر می‌دهد و امکانات در کشور در حال افزایش است. چنین موسمی همیشه و در همه تاریخ، موسم خطرناکی بوده است. موسم ورود آدم‌های سوءاستفاده‌کن و فرصت‌طلب و کج‌دست و بددل و سیاه‌روست که وارد می‌شوند و اگر توانستند، از غفلت‌ها سوءاستفاده می‌کنند. خیلی مراقب این جهت باشید. شاید ما ده سال پیش این قدر به مراقبت نیاز نداشتیم - اگر چه همیشه مراقبت لازم است - زیرا آن وقت چیز زیادی برای بردن و دزدیدن نبود؛ ولی امروز چیز زیادی برای بردن و دزدیدن وجود دارد. من محاکمات جنجالی این روزها را جزو افتخارات نظام می‌دانم. وجود فساد تعجب‌آور نیست؛ مبارزه نکردن با فساد تعجب‌آور است. این محاکمات معنایش این است که نظام جمهوری اسلامی با هیچ کس رودربایستی و شوخی ندارد و هر انگیزه فساد را در هر جا ببیند سرکوب می‌کند؛ بخصوص آن فساد که مثل خوره و کرم داخل درخت، بناست که اصل بنا را پوسانده و پوک کند و از بین ببرد. هر جا که با این مسأله در مجموعه خودتان برخورد کردید، با کمال قدرت و بدون هیچ گونه اِبا و امتناع و با تکیه بر همان روش‌ها و طریقه‌های قانونی - که بحمدالله ما برای همه این کارهای اساسی قانون داریم - با آن مبارزه کنید. [۱۳۷۴/۶/۸]

این کمک است نه به خطر انداختن!

وقتی ما می‌گوییم که باید با طبقه‌ی بهره‌مندان از پول‌های حرام مقابله شود، فوراً یک عدّه نگران می‌شوند که امنیت سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی به خطر افتاد! نه؛ امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت تلاش اقتصادی به خطر نمی‌افتد، این کمک به سرمایه‌گذاری‌هاست.

[۱۳۷۶/۴/۲۵]



مخلصین در خطر عظیم

عزیزان من! بدانید که هیچکدام از ما مضمون و معصوم از بروز فساد نیستیم؛ حتی انسان‌های صالح و انسان‌های مؤمن که در آن روایت دارد: «والمخلصون فی خطر عظیم»^۸ وقتی که مخلصین در خطرند، تکلیف ما معلوم است دیگر! [۱۳۷۸/۳/۱۰]

هدف از وجود قوه قضاییه

هدف از وجود قوه قضاییه این است که مردم در جامعه احساس آرامش کنند؛ بدانند که اگر کسی به حقوق آن‌ها تجاوز کرد، جایی هست که به آن رسیدگی می‌کند؛ بدانند که اگر قوی‌ترین اشخاص - حتی دولت - حق کسی را ندیده گرفت، یا خدای ناکرده پایمال کرد، یک دستگاه قضایی وجود دارد که شجاعانه و بی‌نظر و بی‌غرض، میدان‌داری می‌کند و حق را به حق‌دار می‌رساند. اگر توانستید این احساس را در جامعه ایجاد کنید، شما موفقید... برای ارزیابی قوه قضاییه، باید این معیار را به کار بگیرید؛ ببینید چه قدر این حالت اعتماد در مردم به وجود آمده است؛ هر مقدار به وجود آمده است، همان مقدار شما موفقید. [۱۳۷۸/۴/۷]

سوء استفاده از گریزگاه‌های قانونی

ناامنی اقتصادی، بخش دیگری از ناامنی است. آن کسانی که محیط‌های اقتصادی را ناامن می‌کنند؛ اگر کسانی سرمایه‌های کوچکی دارند، این‌ها با کارهای غیرقانونی، با زرنگی‌ها، این سرمایه‌های کوچک و امکانات مردم را نابود می‌کنند و به سود خودشان مصادره می‌کنند. آن‌هایی که بالاتر از این، امکانات دولتی و عمومی را با زرنگی‌ها، با تسلط بر قوانین و مقررات و گریزگاه‌های قانونی، به نفع خودشان مصادره می‌کنند و هر جا که بتوانند، از سوءاستفاده‌های شخصی نمی‌گذرند؛ این‌ها محیط‌های اقتصادی را ناامن می‌کنند. شما ببینید اگر در یک کشور وضع اقتصادی بیمار است، یکی از چند علت، وجود همین گریزگاه‌های از قانون است که کسانی

^۸ المراقبات، ج ۱، ص ۱۵۰



می‌توانند با استفاده از این‌ها سوءاستفاده کنند و جیب‌های خودشان را پر کنند و امکانات مردم و دولت را به نفع و سمت خودشان بکشانند. [۱۳۷۹/۱/۶]

اگر ثروت جامعه بد خرج شود...

اگر در جامعه‌ای پول و ثروت باشد، اما بد خرج شود، بدتر از این است که ثروت نباشد؛ چون هم محرومیت‌ها به جای خود باقی خواهد ماند، هم عده‌ای با آن ثروت‌های ناصحیح به‌دست آمده ناحق و توأم با فساد، فساد را به وجود می‌آورند. تهیدست بودن قشرهایی از جامعه، خودش فسادآور است - فساد و اعتیاد و هرزگی‌های گوناگون بر اثر فقر پیش می‌آیند - ثروتمند شدن عده‌ای از راه فساد هم خودش باز مرداب فساد دیگری زیر پای مردم است؛ لذا با فساد باید مبارزه شود. [۱۳۸۰/۲/۲۸]

باید لباس مبارزه به تن کرد...

بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد. [۱۳۸۰/۵/۱۱]

برخورد با فساد باید به مردم احساس آرامش دهد...

دنبالگیری فساد با روش صحیح قانونی در جای خود انجام گیرد؛ این‌طور فضاسازی‌های کاذب هم نشود. این‌ها با هم منافاتی ندارند؛ لازم و ملزوم هم نیستند که اگر ما خواستیم با فساد مبارزه کنیم، پس حتماً باید فضایی نامطمئن و ناامن و همراه با سوءظن به همه به وجود آید. بعکس، بنده معتقدم اگر ما با فساد و مفسد واقعی برخورد حقیقی و جدی کنیم، این کار باید به مردم احساس آرامش بدهد. این نباید تعمیم داده شود و بگویند پس همه این‌طورند! در بیان هم نباید چنین چیزی گفته شود. [۱۳۸۰/۶/۱۵]



پنج ضرر فساد

امروز یکی از مهمترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانوندانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق به جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. این کار چند ضرر دارد: یکی این که خزانه این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی - سه، چهار سال - ده‌ها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذت ببرند و مزه فقر را نچشند، مزه زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره‌ی حق به جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه این پول‌ها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود.

ضرر دوم این است که کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آن‌ها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُردردسر تولید و مقدمات آن و راه‌های طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند.

ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسئولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت





می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.

ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند. مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسئولان کشور خواش می‌کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسئولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آن‌گاه می‌فهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است. شناختن موقعیت و خطر، همان ناخودآگاهی است که این خود خطر بسیار بزرگی است. [۱۳۸۰/۱۰/۱۹]

مواظبت از گلوگاه فساد

از جمله مسائلی که در این مبارزه وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فساد می‌کند که تحقق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسئولان دستگاه‌های اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اول فساد به وجود بیاید. [۱۳۸۰/۱۱/۳]

مواظب جنجال باشید!

مواظب و مراقب باشید؛ مبدا با ایجاد یک جنجال در گوشه‌ای، این حرکت عظیم را تحت‌الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی سپارند. این‌ها هوشیاری ملت عزیز ما را می‌طلبد... در سال‌های گذشته، شعار مبارزه با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسئولان تأکید شد؛ در

محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجال‌ها و مغلطه‌کاری‌ها نگذاشتند پیش
برود. [۱۳۸۰/۱۱/۳]

فساد، فساد است!

لازم است در این خصوص [مبارزه با مفاسد] هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاه‌هایی که
با فساد مبارزه می‌کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر - اگر باشد -
به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هر کس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند.
کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق فاسد و
مفسد، مَرّ قانون را اعمال کنند. [۱۳۸۰/۱۱/۳]

اول کار، بعد اطلاع‌رسانی

در آن نامه‌ای که به رؤسای محترم سه قوه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلفات مدیریتی
را که غالباً به اشتباه بر می‌گردد، با جرائمی که کسی از روی عمد مرتکب می‌شود، مخلوط
نکنید. مراقب باشید اول، کار انجام گیرد و بعد مردم از کاری که انجام گرفت، مطلع شوند.
جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه
ضررهایی هم ایجاد می‌کند. کار را بکنیم، بعد اطلاع دهیم این کار شد - مثلاً این پرونده
رسیدگی و مختومه شد، یا این طور احقاق حق گردید - نه این که قبل از آن که کاری صورت
گیرد، جنجال کنیم که می‌خواهیم این کار را بکنیم؛ بعد هم نتوانیم، یا اشکالی پیش آید، یا
معلوم شود فلان گوشه‌اش را اشتباه کرده بودیم. بنده معتقد به خبررسانی و اطلاع‌رسانی‌ام؛
مکرر هم به رئیس محترم قوه و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده‌ام. باید افکار عمومی
را مطلع کرد و اطلاع‌رسانی صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطلاع‌رسانی به‌هنگام، بجا و به
شکل متین و صحیح. [۱۳۸۱/۴/۵]





نفوذ پول و پولدار

یک نکته بسیار مهم دیگر این است که از نفوذ پول و پولدار در داخل قوه قضاییه باید به شدت برحذر باشید و پرهیز کنید. یکی از خطرات بسیار بزرگ این است. در دنیا ثابت شده است که زور پول از خیلی چیزهای دیگر بیشتر است. امروز خیلی از هدف‌های صهیونیستی در دنیا با قدرت پول اعمال می‌شود. یکی از بزرگترین خطرات حکومت‌هایی که معتقد به مبنایی هستند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند. این‌ها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. [۱۳۸۱/۴/۵]

فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینید

در باب فساد اقتصادی خوب است همه از اطرافیان و منسوبان خویشاوندی و شخصیتی خود شروع کنند. فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینند، بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنند. [۱۳۸۱/۴/۲۰]

مبارزه بدون جنجال

مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدیست و ادامه دارد. البته من به مسئولین قوه قضاییه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسئله می‌شود. باید با آن مبارزه کرد. [۱۳۸۲/۱/۱]

شرایط را در نظر بگیرید

(سوال) آیا حرکت‌هایی همچون تجمع مقابل قوه قضاییه و مطالبه شدید از آن‌ها در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی، تضعیف نظام است؟
(جواب) فرق می‌کند. گاهی اوقات قوه قضاییه مایل است کاری انجام دهد که اگر پشتوانه این طوری هم ببیند، حتماً انجام خواهد داد. بعضی از امواج سیاسی جلوی قوه قضاییه را در بعضی

از کارها می‌گیرند، بنابراین تصور نمی‌کنم که این کار تضعیف نظام باشد. البته گاهی ممکن است در شرایطی تضعیف باشد، اما در شرایطی هم تقویت است؛ یعنی در واقع کمک به آن هاست که بتوانند آن کاری را که می‌خواهند، بکنند و در برابر بعضی از جریان‌های سیاسی که مزاحمت ایجاد می‌کنند، بتوانند در مقابل آن‌ها حربه قوی‌تری داشته باشند. [۱۳۸۲/۲/۲۲]

بنده موافق نیستم

یک وقت این انتظار وجود دارد که مرتب اعلامیه داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده؛ این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگویید. در مواردی هم که اعلام و جنجال شد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم را بر اساس محاسبه گرفتیم و این محاسبه هم حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لاپوشی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً بنده نمی‌خواهم ملاحظه کسی را بکنم؛ منتها فکر نمی‌کنم تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و روی آن قضاوتی نیست، باید سر زبان‌ها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستم؛ چه مطبوعاتی‌ها، چه رادیو و تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمار کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض کنم؛ یک نفر جرمی می‌کند، آدم خیلی بدی هم هست، باید هم مجازات شود؛ اما اگر ما اسم او را اعلام کردیم، با این اعلان، چند نفر مجازات می‌شوند؟ پسر و دختر او هم که در مدرسه یا دانشگاه درس می‌خوانند و در محله خود رفت و آمد دارند، مجازات می‌شوند. این کار چه لزومی دارد؟ بگذارید مجرم زندان برود و فی‌الجمله گفته شود این کار انجام گرفته؛ دیگر چه لزومی دارد ما بچه دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی‌اش را هم - که هیچ گناهی ندارند - مجازات کنیم؟ [۱۳۸۲/۲/۲۲]

هر که می‌خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند...

هر که می‌خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند، باید به این مردم خدمت کند. هر که می‌خواهد با دشمنان این ملت مبارزه عملی کارآمد کند، با فساد مبارزه کند. ابزارهای دشمن در درون کشور





و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله طبقاتی. ما باید با این‌ها مبارزه کنیم. این وظیفه دولت و مجلس و قوه قضاییه و همه ارکان نظام است. به مردم خدمت کنند، با مفسد مامشات نکنند، فساد را در بدنه دستگاه‌های حکومت به‌هیچ‌وجه نپذیرند و تحمّل نکنند؛ این بزرگترین خدمت است. [۱۳۸۲/۳/۴]

این قضاوت تعمیم پیدا می‌کند

از تخلف قضایی حتی در گوشه‌ای از کشور هم نباید اغماض و صرفه‌نظر کرد؛ چون بدنه متصل به مردم، همین بخش‌های منتشر در سرتاسر کشور هستند؛ مردم با این‌ها تماس دارند و نزدیکند. قضاوت درباره آن‌ها، تعمیم پیدا می‌کند به قضاوت در کل قوه قضاییه. [۱۳۸۲/۴/۷]

به مودی‌گری‌ها توجه نکنید

توصیه ما به قوه بسیار مهم و مؤثر قضایی این است که هدف را درست انتخاب کند؛ راه را بر طبق موازین انتخاب کند؛ قدم در آن راه بگذارد و با قوت و اعتماد به نفس و اکتال به خدا پیش برود و ملاحظه این را نکند که یک عده جوسازی و بدی و مودی‌گری و بی‌انصافی می‌کنند. خدای متعال این‌ها را اصلاح خواهد کرد؛ این اساسی‌ترین کاری است که قوه قضاییه در ادامه این راه برای رسیدن به قلّه قضای اسلامی باید در نظر بگیرد و پیش برود. [۱۳۸۲/۴/۷]

مشروعیت ما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و عدالت‌خواهی

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودس - که مهمترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و همچنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم. البته معنای این حرف این نیست که ما از زندگی دنیایی مردم

غفلت کنیم؛ نخیر، مگر می‌شود؟ اصلاً آخرت بدون دنیا نمی‌شود و امکان ندارد که انسان بخواهد به آن مواهب معنوی برسد و دنیای ویرانی هم داشته باشد. [۱۳۸۲/۶/۵]

مشکل اما پُربرکت

این که ما گفتیم برای عدالت‌طلبی باید مبارزه کرد؛ برای مبارزه با فساد باید همه دست به دست هم بدهند و فساد اقتصادی - بخصوص در بین مسئولان و کسانی که دستی در امور بیت‌المال دارند - باید جدی گرفته شود، به‌خاطر همین است که این کار جزو مشکل‌ترین‌ها و در عین حال اگر به نتیجه برسد، جزو پُربرکت‌ترین‌هاست. تا وقتی در جامعه عدالت باشد، تبعیض نباشد، نگاه متفاوت به اشخاص و قشرها نباشد و امتیازطلبی‌های زیادی و نابحق و نابجا در جامعه وجود نداشته باشد، مردم بر خیلی از ناکامی‌ها صبر می‌کنند. [۱۳۸۲/۶/۱۹]

اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد

مبارزه‌ی با فساد، یک جنبه‌ی اخلاقی محض نیست؛ اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره‌ی مبارزه‌ی با فساد به مسئولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه‌ی وسیع و همه‌جانبه بود. از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه‌ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آن‌ها را خنثی می‌کند. استخری را در نظر بگیرید که از چند چاه عمیق با لوله‌های چند اینچی مرتب در آن آب ریخته می‌شود، اما استخر پُر نمی‌شود. وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید بدنه‌ی استخر ترک خورده و ته آن سوراخ است؛ هرچه از این طرف آب می‌ریزید، از آن طرف بیرون می‌رود؛ به کانال‌هایی که شما در نظر گرفته‌اید آبیاری کنید، اصلاً آب نمی‌رسد. فساد در جامعه، این‌طوری است. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد.

[۱۳۸۳/۳/۲۷]





با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد

وقتی یک جای بدن بیمار می‌شود و درد می‌گیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد می‌شود - انسان شب خوابش نمی‌برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندان ناسالم خواب را از انسان می‌گیرد. فساد، این طوری است؛ باید با فساد مبارزه‌ی جدی کرد. یک پایه‌ی مبارزه، شما هستید. آن روزی که بنده مسأله‌ی مبارزه‌ی با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آن‌ها نکردند، شما بکنید. البته به قول برادر ظریف و نکته‌سنج‌مان، با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در درجه‌ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه‌ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند. [۱۳۸۳/۳/۲۷]

وظیفه مجلس و دولت و قوه قضائیه

گردآورندگان ثروت‌های نامشروع، زیاده‌خواهان، زیاده‌خواران و مفسدان اقتصادی نباید عرصه را بر کسانی تنگ کنند که یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، یا کار می‌کنند، یا زحمت می‌کشند، یا درس می‌خوانند، یا علم را گسترش می‌دهند و درآمدی بسیار کمتر از آن‌ها دارند. نظام باید با مفساد اقتصادی و با جریان فساد اقتصادی مبارزه کند؛ این وظیفه‌ی مجلس و دولت و قوه‌ی قضائیه است. [۱۳۸۳/۴/۱۵]

مبارزه با زیاده‌خواهان

گردآورندگان ثروت‌های نامشروع، زیاده‌خواهان، زیاده‌خواران و مفسدان اقتصادی نباید عرصه را بر کسانی تنگ کنند که یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، یا کار می‌کنند، یا زحمت می‌کشند، یا درس می‌خوانند، یا علم را گسترش می‌دهند و درآمدی بسیار کمتر از آن‌ها دارند. [۱۳۸۳/۴/۱۵]

می‌گفتند مبارزه‌ی با فساد جزو موانع سرمایه‌گذاری است

چند سال قبل بنده مسأله‌ی مبارزه با فساد را مطرح کردم و آن نامه‌ی هشت ماده‌ی را نوشتم؛ اما از داخل مجلس شورای اسلامی - که باید مرکز مبارزه‌ی با فساد باشد - فریاد اعتراض به این شعار بلند شد؛ با این بهانه که مبارزه‌ی با فساد، سرمایه‌ها را از کشور فراری می‌دهد! در حالی که قضیه بعکس است. بنده همان وقت هم گفتم که اتفاقاً مبارزه‌ی با فساد، سرمایه‌گذار سالم را که قصد فسادانگیزی و سوءاستفاده ندارد، به کار تشویق می‌کند. اخیراً گزارشی از یک سازمان معتبر بین‌المللی خواندم که درباره‌ی همین مسائل کار می‌کند. این سازمان اعلام کرده که یکی از موانع اصلی سرمایه‌گذاری در بعضی از کشورها عبارت است از فساد اقتصادی. این‌ها می‌گفتند مبارزه‌ی با فساد جزو موانع سرمایه‌گذاری است؛ ببینید چقدر فاصله است! مبارزه‌ی با فساد مطرح می‌شود؛ به جای این که عناصر دست‌اندرکار استقبال کنند و در حد وظایف خود ایفای نقش کنند، بعکس عمل می‌کنند. این، یکی از گوشه‌های کوچک حاکمیت دوگانه است که این‌ها دنبال می‌کردند. [۱۳۸۴/۲/۱۹]

از محاسبه باکی نباشد

قوه‌ی قضائیه بایستی از نظارت قانون استقبال کند. قانون، یکی از ابزار نظارت است. خود قانون یک عامل نهاده شده‌ی در داخل قوه‌ی قضائیه است که برای نظارت بر قوه‌ی قضائیه، عامل بسیار مهم و مؤثری است. معیار، قانون باشد و قوانین نقض نشود؛ تخصیص نخورد؛ تقیید نخورد؛ از گستره‌ی قانون به دلایل گوناگون چیزی حذف نشود. به هر حال، قوه‌ی قضائیه باید هر گونه نظارتی را استقبال کند. خوشبختانه شما از مسئول عالم، دانا، هوشمند و مجموعه‌ی بسیار خوبی از قضات شریف، پاک‌دامن، عناصر مؤمن در قوه‌ی قضائیه برخوردار هستید. هر چه که نظارت بشود، هر چه که اظهار نظر بشود، حتی انتقاد منصفانه، باید مورد استقبال قرار بگیرد. این، خیلی خوب است. آن را که حساب پاک است - چه در زمینه‌های مالی، چه در زمینه‌های غیرمالی - از محاسبه باکی نیست. بگذارید عناصر مقرر برای این کار؛ مثل سازمان بازرسی و سازمان‌های گوناگون نظارتی و همچنین عناصر بیرون از دستگاه قضایی؛ مثل



صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه، حقوق‌دانان کشور، اعلام نظر کنند، پیشنهاد کنند، انتقاد کنند؛ این‌ها قوه‌ی قضائیه را تقویت می‌کند و قوه‌ی قضائیه را ورز می‌دهد. [۱۳۸۴/۴/۷]

برخورد عبرت‌زا

درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در دستگاه‌های اجرائی‌اند - وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه‌های پولی و بانکی - و این‌ها مسئولند؛ اما نقش قوه‌ی قضائیه این است که اگر در مجموعه‌ی این عملکردها و تعامل این دستگاه‌ها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوه‌ی قضائیه آنچنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد می‌کشانند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است. [۱۳۸۶/۴/۷]

از اول که فاسد نبودند!

برادران و خواهران عزیز! مواظب خودتان باشید. آدم‌های فاسدی که اسم‌هایشان را شنیده‌اید یا توصیفشان را می‌شنوید، این‌ها از اول که فاسد نبودند؛ یک وقت یک لقمه‌ی چرب و نرمی، دهن شیرین‌کنی - دانسته یا ندانسته - کسی توی دهن این‌ها گذاشته، به کامشان شیرین آمده، بعد لقمه‌ی بعدی و لقمه‌ی بعدی را خودشان برداشته‌اند و شده‌اند فاسد. خیلی مراقب باشید. این چندسالی که مشغول خدمتید - حالا هر چه هست؛ ده سال است، پانزده سال است، چهار سال است، پنج سال است - خیلی از خودتان مراقبت کنید. تقوا یعنی همین؛ یعنی مراقبت. [۱۳۸۶/۴/۹]

در تشکیلات دولتی، اهمیت مبارزه‌ی با فساد اقتصادی بیشتر از قوه‌ی قضائیه است

در داخل تشکیلات دولتی، اهمیت مبارزه‌ی با فساد اقتصادی بیشتر است از عین همین کار در دستگاه قضائی. دستگاه قضائی مجازات مفسد را بر عهده دارد، دستگاه اجرائی جلوگیری از بروز



فساد را بر عهده دارد؛ این مهم‌تر است؛ این پیشگیری است. در پیچ و خم دالان‌های گوناگون اجرائی است - چه در مرحله‌ی برنامه‌ریزی، چه در مرحله‌ی اجرا - که فساد جان می‌گیرد؛ این میکرب‌های فساد به وجود می‌آیند و رشد می‌کنند و تکثیر می‌شوند؛ جلوی این‌ها را باید گرفت. البته مبارزه‌ی با فساد به صلاح احتیاج دارد؛ اول خودمان باید صالح باشیم؛ اهل فساد نباشیم تا بتوانیم با فساد حقیقتاً مبارزه کنیم. اگر در ما نقطه‌ی ضعفی از باب فسادپذیری وجود داشته باشد، آن وقت دیگر خاطر جمع نخواهیم بود از اینکه در میدان قدم بگذاریم. لذا مواظب خودمان باشیم. [۱۳۸۶/۴/۹]

مدیران باید واقعاً معتقد باشند

یکی از مصداق‌های عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سال‌ها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاش‌های خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد؛ اما مبارزه‌ی با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا می‌کند. شایعه درست می‌کنند، دروغ می‌گویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار می‌گیرد. این مبارزه هم لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را چه در زمینه‌ی پیشرفت، چه در زمینه‌ی عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً می‌توانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند. [۱۳۸۸/۱/۱]

سرمایه‌گذار سالم خوشحال می‌شود

چند سال قبل از این، که من راجع به فساد اقتصادی به سران سه قوه نامه نوشتم و تأکید کردم، بعضی‌ها ترسیدند، گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد. من گفتم قضیه بعکس است؛ سرمایه‌گذار - آن کسی که می‌خواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت



اقتصادی کند - از اینکه ببیند ما با فساد اقتصادی و با مفسد اقتصادی مبارزه می‌کنیم، خوشحال می‌شود. ما باید بتوانیم این مبارزه‌ی درست را در سطح قانونی انجام بدهیم. [۱۳۹۱/۲/۱۰]

به نام کار به کام...

تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. [۱۳۹۱/۶/۲]

جلوگیری از فساد داخلی

یکی از مهمترین مسائل، جلوگیری از فساد داخلی است. این کاری که حالا مطرح شده و گفته شده است و مسوولین هم بحمدالله صریحا اعلام کرده اند که جلوی این فسادها و این زیاده خواهی‌ها و زیاده خوری‌ها و این حقوق‌های گزاف را میگیرند - که در بعضی جاها هم بحمدالله شد؛ در بعضی از بخش‌ها و سازمانها که به ما گزارش دادند، این اقدام تحقق پیدا کرد، عملی شد - بایستی فراگیر بشود، باید دنبال بشود، باید رها نشود این کار، جلوی فساد باید گرفته بشود.

[۹۵/۵/۱۱]



شکاف اقتصادی و تبعیض در
مسائل اقتصادی و برخورداریهای
ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت
و سنگین. این، مردم را آزار می‌دهد.
بیش از فقر، تبعیض برای مردم
گزنده است.



دفترتعاونیه‌های حرکت‌های جهادی
معاونت‌های سازمان‌های جهاد اسلامی

آدرس: خیابان امامعلی، قله‌په، خیابان مطهری
مجلس ۱۳، ایوان معارف، مسکن‌سازی

WWW.JAHADGARAN.ORG

TELEGRAM: HEJAZHADI

INFO@JAHADGARAN.ORG

021 - 88846085

